

کوروش کمپانی‌های جدید در راهند؟

صفحه ۷

روزنامه خبری تحلیلی دانشگاهی هجرت
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
۵۰۰۰ تومان

فصل جدید از پدیده‌ها:
روایت‌های جنگ

شماره مسلسل: ۲۸۲۰
شماره ۲۸ بهمن ۱۳۹۰
۷ شنبه ۱۴۴۵
۱۷ فوریه ۲۰۲۴
شماره ۳۰۸۲

مستند «غیررسمی ۶» ناگفته‌های مهمی از سلوک فرهنگی رهبر انقلاب دارد
کارگردان مستند از ابعاد مختلف آن می‌گوید

واقعیتی که نمی‌خواهند ببینید



www.fdn.ir | Sat | 17 Feb 2024 | 16 Pages



«فرهیختگان» آخرین یافته‌های تعداد مخاطبان برنامه‌های صداوسیما را منتشر می‌کند

دوپینگ با فوتبال

درباره نقدهای غیرواقعی ارگان صداوسیما به نهادهای دانشگاهی

چرا با فحش دادن به منتقدان مخاطب تلویزیون زیاد نمی‌شود؟

مدیران برخی سکویای داخلی درباره اخلاص مکرر چه می‌گویند؟

زیاد عضو شوید مختل می‌شویم

دکتر ولایتی در گفت‌وگو با الجزیره:

آینده منطقه متعلق به آمریکا و صهیونیست‌ها نیست

دکتر ولایتی در گفت‌وگو با الجزیره:

آینده منطقه متعلق به آمریکا و صهیونیست‌ها نیست

دکتر علی‌اکبر ولایتی، مشاور مقام معظم رهبری در مصاحبه با شبکه الجزیره به تحلیل تحولات منطقه پرداخت و تأکید کرد: «آینده منطقه قطعاً از آن آمریکا، انگلیس و صهیونیست‌ها نخواهد بود.» علی‌اکبر ولایتی، مشاور رهبر معظم انقلاب در مصاحبه‌ای با شبکه الجزیره به تحلیل تحولات اخیر در منطقه پرداخت. مشاور امور بین‌الملل رهبر معظم انقلاب در این مصاحبه اظهار داشت گروه‌های مقاومت اسلامی به صورت خودجوش در مناطق حساس جغرافیایی اعم از آبراه‌های مهمی چون باب‌المندب و دیگر نقاط مهم منطقه حضور دارند. وی ادامه داد: «حمایت گروه‌های مقاومت از یکدیگر روز به روز به صورت منسجم‌تر و به مرحله شکست ناپذیر رسیده است.» ولایتی تأکید کرد: «تهاجم اخیر رژیم صهیونیستی منجر به یکپارچه‌کردن مردم منطقه و دیگر آزادی‌خواهان در کشورهای مختلف جهان با ملت فلسطین شده است.»

وزیر امور خارجه اسبق کشورمان در ادامه گفت: «طرفان الاقصی در نوع خود در صحنه فلسطین بی‌نظیر است و با منازعات گذشته تفاوت‌های مهمی دارد، نوع و شدت ایستادگی مبارزان فلسطینی نیز در برابر صهیونیست‌ها پس از گذشت بیش از چهارماه نشان می‌دهد اعتماد به نفس این مجاهدین به مراتب بیش از گذشته است.» ولایتی درباره نقش یمن در صحنه حمایت از فلسطین گفت: «انصارالله یمن با وارد کردن ضربات سخت به دشمنان سبب شکست هیمنه پیش‌پا نی آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی و همچنین آنان آنها در منطقه شده است. یعنی‌ها اکنون در مقابل شکل‌گیری ائتلاف‌های غربی و منطقه‌ای جدیدالسلطه بر اقیانوس هند که به ادعای مقابله با چین تشکیل شده، ایستادگی کرده‌اند.» وی در عین حال افزود: «اگر غربی‌ها بتوانند با تشکیل ائتلاف منطقه‌ای و حضور نظامی همچون (اکوس، گراد و آی ۲) در اقیانوس هند آتش‌افروزی کنند، طبیعتاً به این بخش مهم از دنیا اکتفا نخواهند کرد و ناآرامی را به اقیانوس آرام نیز سرایت خواهند داد.» مشاور رهبر انقلاب در ادامه گفت: «عملیات یمنی‌ها در دریای سرخ و دریای غرب تا زمان رفع محاصره نوار غزه و به منظور افزایش فشار علیه رژیم صهیونیستی ادامه خواهد داشت و مانع از تشکیل یک ائتلاف خارجی در منطقه خواهد بود.» ولایتی در پاسخ به سوالاتی درباره پیامدهای عملیات طوفان الاقصی و ضربات آمریکایی‌ها علیه مقاومت منطقه در عراق، سوریه و یمن گفت: «تأکید می‌کنم که از یمن تا عراق و لبنان، مقاومت اسلامی فلسطین و سوریه از مشکلات با پیروزی و سرفرازی عبور کرده‌اند.» وی افزود: «آمریکایی‌ها در افغانستان و عراق شکست خوردند و از این کشورها گریختند و اکنون نیز کشورهای عضو مقاومت در مبارزه علیه ظلم و ترویسیم در خاورمیانه موفق بوده‌اند و از این به بعد نیز با توجه به آنچه پیش‌بینی می‌شود قطعاً آینده منطقه غرب آسیا به نفع مثلث آمریکا و انگلیس و صهیونیست‌ها نخواهد بود.»

ولایتی خاطرنشان کرد که گذشتن محور مقاومت از فرصت‌های زیادی را در مبارزه و مقابله با زیاده‌خواهی‌های صهیونیست‌ها و آمریکا در منطقه خواهد داشت و هدف این گروه در منطقه، مبارزه با رژیم صهیونیستی و حامیان آنها و پایان دادن به تسلط غرب بر منطقه غرب آسیا و دفاع از مظلومان و مردم فلسطین است. ولایتی در پاسخ به این سوال که آیا افزایش حملات نظامی رژیم صهیونیستی علیه سوریه، همکاری ایران و سوریه را تحت تأثیر قرار خواهد داد، گفت: «روابط جمهوری اسلامی ایران و سوریه روابط عمیق و استراتژیک و کاملی است. جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب روابط همه‌جانبه و راهبردی را با سوریه به عنوان حلقه طلایی بین‌کشورها و عناصر مقاومت ایجاد کرده است.»

ولایتی ادامه داد: «روابط جمهوری اسلامی ایران و سوریه روابط عمیق و استراتژیک و دارای سابقه تاریخی است. سوریه به عنوان یکی از محور مقاومت نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در معادلات منطقه‌ای داشته است. جبهه مقاومت توانسته با اتحاد و کنار یکدیگر بدون توطئه‌های دشمنان و اهداف شوم آنها را خنثی کند و به پیروزی‌های فراوانی دست یابد و بی‌تردید پس از این نیز موفقیت‌های بیشتری را کسب خواهد کرد.» مشاور رهبر انقلاب با اشاره به گذشته قریب به ۱۲ سال از جنگ در سوریه تأکید کرد: «قطعاً سوریه امروز نسبت به آغاز جنگ توان بیشتری در برابر تجاوزات صهیونیست‌ها و حامیان آنها به دست آورده است.» وی همچنین نقش سوریه را در موازات بین‌المللی سرنواست‌ساز توصیف کرد. مشاور رهبر انقلاب در پاسخ به سوالاتی درباره تورهایی که اخیراً آمریکا و اسرائیل علیه فرماندهان جنبش‌های مقاومت در سوریه، لبنان و عراق در پیش گرفته و این سوال که راهبرد تهران و متحدانش برای مقابله با سیاست‌های ترویسیم در سوریه، همکاری ایران و سوریه را قربانی ترویسیم و مخالف ترویسیم است، آمریکا در ایران می‌دانند و از این باب خواهان تقویت در حق ملت فلسطین متهم است. همان‌گونه که آمریکا با تشکیل و حمایت از گروه‌های ترویسیتی مانند داعش در غرب آسیا و نمونه دیگر آن در آمریکای لاتین (تاسیس گنتره) سرمدار حمایت از ترویسیم است.»

معمای «طبقه متوسط» در ایران

به دنبال ارتقا

در مقابل، نگاه دیگری به طبقه متوسط وجود دارد. صاحبان نگاه دوم وقتی از فرجه شدن طبقه متوسط صحبت می‌کنند، در واقع به دنبال تقویت منافع طبقه متوسط موجود - حتی به قیمت تضعیف تر شدن طبقه فقیر - نیستند بلکه در حقیقت منافع طبقه فقیر را نمایندگی می‌کنند و دوست دارند فقر از طبقات پایین درآمدی به طبقه متوسط ارتقا پیدا کند. به‌طور مثال جواد صالحی اصفهانی (روزنامه فرهیختگان - شماره ۲۸۶۶) می‌گوید: «آینده ایران فقط با اینکه فقیرها را زنده نگه داریم تا مین نمی‌شود. بلکه آینده ایران در این است که فقیرها را به طبقه متوسط بریزد. در تمام کشورهایی که رشد کردند و توسعه یافتند، افرادی از پایین جامعه به طبقه متوسط آمدند.» او همچنین انتقاداتی به طبقه متوسط موجود هم دارد. مثلاً می‌گوید: «سیاست هدفمندی بازانه‌ها که در دولت احمدی‌نژاد اعمال شد هم سیاست خیلی خوبی بود... مسافانه طبقه متوسط هم در این مورد با دولت همراه نیست و دنبال این است که از دولت بنزین ارزان بگیرد.»

نقد واقع‌گرایانه

جواد صالحی اصفهانی (که البته یکی از نویسندگان کتاب «تحریم‌ها چگونه کار می‌کنند» نیز هست) آمریکا را «قدرتی استعماری» می‌داند. از نظر او - خصوصاً بعد از وقایع ترازویک اخیر خاورمیانه - «این دیدگاه دارد جامی افند که آمریکا به منطقه (غرب آسیا) نگاه استعماری دارد و در مناسبات استعماری هیچ‌وقت منطق هزینه-فایده اقتصادی کار نکرده است.» صالحی اصفهانی می‌گوید «من گوشم پر است از اینکه «اقتصاد ما (در اثر تحریم‌ها) چنین و چنان شده و اگر با آمریکا کنار بیایم، همه اینها درست می‌شود. این واقع‌گرایانه نیست.» بنابراین وقتی جواد صالحی اصفهانی و سایر کسانی که در گروه دوم جای می‌گیرند و از طبقه متوسط حرف می‌زنند، در واقع در مورد طبقه فقیر و ضرورت تلاش برای بالا آوردن آنها تا طبقه متوسط صحبت می‌کنند. او همچنین به برخی تمایلات سیاسی - اقتصادی طبقه متوسط موجود نیز نقد دارد: نظیر مخالفت طبقه متوسط با سیاست هدفمندی بازانه‌ها در اقتصاد و تمایل بخشی از این طبقه به دادن امتیاز به غرب برای رفع تحریم‌ها.

برای ایران

بنابراین می‌توان تفاوت زاویه برداختن این دو گروه به طبقه متوسط را در این مورد خلاصه کرد. گروه نخست خود را نماینده منافع طبقه متوسط موجود - و در برابر طبقه فقیر - می‌داند اما مساله گروه دوم، ارتقای فقر از طبقات درآمدی پایین به طبقه متوسط است. گروه اول تمایلات سیاسی - اقتصادی طبقه متوسط را چون و چرا می‌پذیرند اما گروه دوم در کنار حمایت از فرجه‌تر شدن طبقه متوسط، بر اساس دو شاخص «واقع‌گرایی» و «منافع ملی» تمایلات سیاسی - اقتصادی طبقه متوسط را نقد می‌کنند و خواهان اصلاح نقاط ضعف طبقه متوسط است. در نهایت گروه اول نگاه مثبت به آمریکا دارند، طبقه متوسط را نماینده منافع ملی آمریکا در ایران می‌دانند و از این باب خواهان تقویت آن هستند اما گروه دوم، آمریکا را استعمارگر می‌دانند و طبقه متوسط ایرانی را برای ایران می‌خواهند.

«گناه» است؟ مخاطبان این حرف فقیه نبودند، مثل ما! اما در شرایطی که کشور به خاطر کمبود منابع ارزی تحت فشار سنگین اقتصادی است و مسئولان محترم هر روز از سختی مدیریت اقتصاد ایران برای جامعه سخنرانی می‌کنند، سفر اعضای خانواده رده بالاترین مسئولان کشور به خارج از کشور برای امر غیرضروری، خلاف شعارها و ادعاهای دهان‌پرکن آنهاست. وقتی مجلس و دولت فعلی به خاطر تجربه ۹۸ آن جرات نریک شدن به قیمت حامل‌های انرژی را ندارند و مجبورند فشار سنگینی به بودجه عمومی وارد کنند، یعنی زندگی عموم مردم در شرایط سختی قرار دارد. سفر، مهاجرت، تحصیل در بهترین دانشگاه‌های دنیا واقعیت یک طرف سیاست به خاطر سال‌ها تندروی و ساختن یک تصویر غیرواقعی از نهادهای انتخابی در حال طناب‌کشی برای اصل مشارکت سیاسی هستند و در طرف دیگر رقابت خنده‌دار «لیست‌کشی» ادامه دارد. این بحث‌ها را قبل‌از‌اینکه و حرف جدیدی نداریم. اما مساله تازه‌تر ورود به ایام «افشاکری»‌های درون‌جناحی است که رای‌دهندگان مردود را از فکر کردن به انتخابات پیشمان و بدنه رای سنتی را هم متزلزل می‌کنند. صورت مساله اینطور است: ائتلاف اصولگرایان که در مجلس فعلی جناب قالیباف را از میدان اجزایی به بهارستان آورد و رئیس کرد، با یک انشعاب بزرگ روبه‌رو شده است. انشعابی که هیچ معنابخشی کارکردی و اجتماعی ندارد و فقط به وزن‌کشی سیاسی چند گروه و نیروی سیاسی مشابه مربوط است. قبلاً اجمالا نوشته بودیم «جمنای» سابق که به «شانه» تغییر نام داده همچنان می‌خواهد لیست قبلی تهران را با برداری تغییر کم به میدان بفرستد. در مقابل ائتلاف جدیدی از «شریان» که نزدیکان بذرش هستند با چند چهره سابق پایداری و... «امنا» راه‌انداخته‌اند. درحالی‌که این دو گروه در هفته‌های اخیر در شبکه‌های اجتماعی در حال زد و خورد شدید بودند، به یکباره یک افشاکری بزرگ درباره سفر پسر محمدباقر قالیباف به کانادا فضای شبیه ماجرای «سیسمونی‌گیت» برای او درست کرد. خبر جدید گویای این است که آقازاده رئیس مجلس برای تحصیلات می‌خواهد به یکی از مقصد‌های مهاجرتی مهم ایرانی‌ها برود. اگر فامیلی آقای «اسحاق» قالیباف نبود اتفاق خاصی از منظر سیاسی رخ ندادده بود. او مثل یکی از هزاران جوان ایرانی می‌شد که به دلایلی درست و غلط قصد ترک کرده‌اند اما او پسر رئیس مجلسی است که با صفت «انقلابی» شناخته شده و جناب قالیباف به این صفت افتخار می‌کند. شاید رئیس مجلس مثل آنچه در حاشیه راهپیمایی ۲۲ بهمن درباره ماجرای سفر اعضای خانواده‌اش به ترکیه گفت را اینجا هم خرج کند. او گفته بود مگر سفر به ترکیه

از سوزی دیگر اما برای اهل سیاست این سوال جدی وجود دارد که چه کسانی دسترسی به اطلاعاتی اینچنین دارند. هدف از افشاکری آنها چیست؟ اگر در ماجرای سیسمونی فهمیدید، این بار هم می‌فهمیم! اگر آن بار معلوم شد که کجای «سیستم» از روش شفافیت «موردی» برای به گوشه‌رینگ بردن قالیباف استفاده کرد، این بار هم معلوم می‌شود. شاید کسی بگوید چه اهمیتی دارد؟ از منظر خطای خانواده جناب قالیباف اهمیتی ندارد، اما آنها که این اطلاعات را به این سبک و سیاق منتشر می‌کنند، می‌دانند این سبک ضد مشارکت عمومی و برای جامعه نامیدکننده است. شاید برای پیروزی در انتخابات و تکیه کردن بر صندلی قدرت هر قدر رای‌دهندگان کمتر باشند، آنها راحت‌تر خواهند بود! روش این افشاکری‌ها و نحوه ساخت‌وساز این بمب‌های سیاسی، علاوه بر صندلی رقیب «درون‌جناحی» به ساختار سیاست در ایران هم آسیب می‌زند. به چند سطر اول این یادداشت برمی‌گردم: اگر گروه‌های سیاسی حرفی برای گفتن دارند چرا مجبورند برای کسب رای دیگری را بترکانند؟ آن هم با اطلاعات «آنچنانی»! روزگاری در فضای انتخابات از کاندیداها خواستند می‌شد وعده‌های قابل انجام بدهند، کار به جایی رسیده که کسی وعده نمی‌دهد.